

به نام خدا

داستان‌های صفر و یک

نویسندگان :

امیر محمد مرادی - محمد پارسا افشاری - یکتا رهنما - یسنا صفرپور - علیرضا
عارف دارابی - فاطمه حسنا رضائیا - علیرضا فولادی - زهرا نجفی - زهرا صادقی
- زهرا نجفی - ملیکا طاهری - نازنین کریمی نسب - آرش ملک‌زاده - آتنا
عابدی نژاد - امیرعلی کیانی نژاد - امیررضا رستمی - فاطمه رضایی - هلیا صبور

ناظر علمی و فنی :

محمد حسین پیرنسرانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : پیرنسرואنی، محمد حسین ، ۱۳۷۸
عنوان و نام پدیدآور: داستان‌های صفر و یک/ نویسندگان: محمد حسین پیرنسرואنی {و دیگران...}
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۷۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۴۱-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : داستان‌های صفر و یک
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : داستان‌های صفر و یک
نویسندگان: محمد حسین پیرنسرואنی {و دیگران...}
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زبرجد
قیمت : ۲۵۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۴۱-۱
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
داستان.....	۹
راز گنجینه تخت جمشید.....	۹
داستان.....	۱۳
لوکاس، پسر کنجکاو در کهکشان.....	۱۳
نام داستان.....	۲۱
راز مدرسه متروکه.....	۲۱
داستان.....	۲۳
رازهای کهکشانی.....	۲۳
داستان.....	۲۹
راه دوم آرش.....	۲۹
داستان.....	۳۳
راز گل نرگس.....	۳۳
داستان.....	۴۳
خانه سایه ها.....	۴۳
داستان.....	۴۷
دختر سبز پوش.....	۴۷
داستان.....	۵۳

در جستجوی خانواده	۵۳
داستان	۶۳
دروازه ترس	۶۳
داستان	۶۹
سفر در زمان	۶۹
داستان	۷۷
شهر زیر دریا	۷۷
داستان	۹۳
شهر فراموش شده	۹۳
داستان	۱۰۱
شکارچیان سایه	۱۰۱
داستان	۱۰۹
جنگل مرموز	۱۰۹
داستان	۱۳۱
کشف غول یخی	۱۳۱
داستان	۱۳۵
ماجرای جوی‌های شگفت‌انگیز	۱۳۵
داستان	۱۶۳
کلید جهان موازی	۱۶۳

پیشگفتار

به نام خداوند بخشنده و مهربان

امروز در عصری زندگی می‌کنیم که فناوری با سرعتی شگفت‌انگیز در حال دگرگون‌سازی جهان است و هوش مصنوعی، به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین دستاوردهای بشر، جایگاه ویژه‌ای در این تحول دارد. این فناوری نه تنها مرزهای علم را جابه‌جا کرده، بلکه به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره ما تبدیل شده است .

این کتاب داستان، حاصل تلاش و خلاقیت دانش‌آموزان عزیز این آموزشگاه است که با ذهنی پویا و کنجکاو، آینده‌ای را به تصویر کشیده‌اند که در آن انسان و هوش مصنوعی در کنار یکدیگر قصه‌هایی جذاب، آموزنده و گاه تأمل‌برانگیز را خلق می‌کنند. هر یک از این داستان‌ها، بازتابی از نگاه عمیق و رویاهای بزرگ این نسل جوان است که با قلمی رسا و بیانی شیرین به رشته تحریر درآمده است .

به عنوان موسس این آموزشگاه، به تمامی این عزیزان تبریک می‌گویم و به آن‌ها افتخار می‌کنم. شما ثابت کرده‌اید که با همکاری، پشتکار و ایمان به توانایی‌های خود، می‌توانید آثاری خلق کنید که نه تنها الهام‌بخش دیگران باشد، بلکه گامی هرچند کوچک در مسیر پیشرفت علم و ادبیات بردارد .

امیدوارم این کتاب، سرآغازی برای تلاش‌های بیشتر شما در زمینه نویسندگی، خلاقیت و فناوری باشد و مشوق دیگر دانش‌آموزان نیز برای پیوستن به این عرصه‌های نوین گردد .

با آرزوی موفقیت روزافزون برای همه شما،

دکتر حسین فولادی

موسس و مدیر توانشکده هوش مصنوعی و کارآفرینی دکتر تلنت

مقدمه

امروزه حضور و نفوذ هوش مصنوعی در عرصه‌های گوناگون زندگی، امری غیرقابل انکار است. حیطه‌ی هنر و آفرینش ادبی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ تا آنجا که در مواردی، تشخیص آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی از آثار خلق‌شده به دست انسان، به چالشی ظریف تبدیل شده است.

این پیشرفت شگفت‌انگیز، پرسش‌های بنیادین و آینده‌سازی را پیش روی ما قرار می‌دهد: آیا روزی هوش مصنوعی جایگاه انسان را در خلق آثار هنری خواهد گرفت؟ این ابزارها از جهان داستان چه درکی دارند؟ خلاقیت در چنین آثاری چگونه متجلی می‌شود؟ و این تقابل میان ذهن هنرمند و خروجی دیجیتال، در نهایت به کجا خواهد انجامید؟

برای یافتن پاسخی واقع‌بینانه به این پرسش‌ها، نیازمند نمونه‌های عینی و ملموس هستیم. تنها از طریق مطالعه‌ی آثار تولیدشده می‌توان به شیوه‌ی روایت‌گری و داستان‌پردازی هوش مصنوعی پی برد، و دریافت آن از «تخیل» را مورد کندوکاو قرار داد.

اما پیش از هر چیز، لازم است مرز این دستاوردها را با مفهوم اصیل «ادبیات» و «هنر» روشن کنیم. یک اثر ادبی اصیل، جهانی است آکنده از تجربه‌های زیسته، عواطف عمیق، و بار فرهنگی و تاریخی آفریننده‌ی خود؛ جهانی که به سادگی در داده‌های آموزش‌دیده‌ی یک الگوی محاسباتی نمی‌گنجد. با این حال، نباید نقش مهم «دستورالعمل‌های انسانی» (پرامپت) و مهارت گفت‌وگو با ابزار را نادیده گرفت؛ گویی آفرینش اثر به همکاری دو ذهن تبدیل می‌شود: ذهن پرسشگر انسان و ذهن پردازشگر ماشین.

کتاب «داستان‌های صفر و یک» حاصل همین تجربه‌ی مشارکتی است. این اثر که به همت مهارت‌آموزان مجموعه توانشکده هوش مصنوعی و کارآفرینی مرکز داراب پدید آمده است، نمونه‌ای عملی و پیشگامانه از داستان‌نویسی با همراهی هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. هدف این پروژه تنها نمایش توان فناوری نیست؛ بلکه می‌خواهد در کنار پررنگ کردن اهمیت خلاقیت و نگاه بی‌بدیل انسانی، عملکرد واقعی این ابزارها در فرآیند آفرینش را به موضوعی برای مطالعه، نقد و اندیشه تبدیل کند.

محمد حسین پیرنروانی

مدیریت اجرایی استارت‌آپ دکتر بوک

داستان

راز گنجینه تخت جمشید

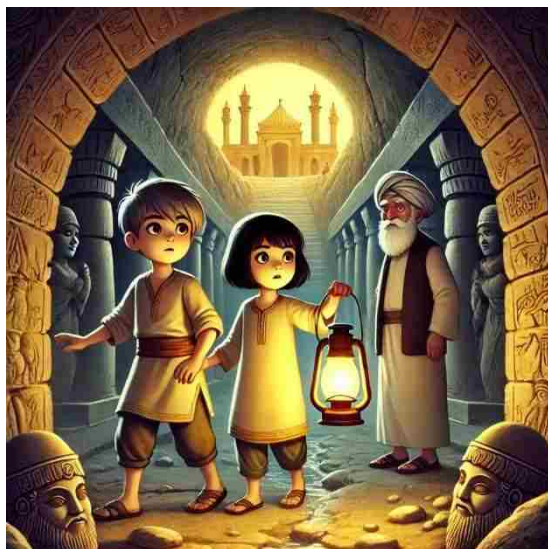
امیر محمد مرادی



آرمان و پریا، همراه با خانواده به شیراز سفر می‌کنند. پدربزرگ رادمان که در نزدیکی تخت جمشید زندگی می‌کند، تصمیم می‌گیرد بچه‌ها را به آنجا ببرد و داستان‌های تاریخی برایشان تعریف کند؛ آرمان از قبل ماجرای گنج‌های مخفی و پادشاهان هخامنشی را در کتاب‌ها خوانده است و پر از سوال در ذهن او است.

وقتی به تخت جمشید می‌رسند، پدربزرگ شروع به توضیح درباره بناهای باشکوه و تاریخ هخامنشیان می‌کند. بچه‌ها از ستون‌های عظیم، نقوش برجسته و سالن‌های باشکوه حیرت‌زده می‌شوند. در میان توضیحات، پدربزرگ از یک داستان قدیمی درباره "راز گنجینه داریوش" می‌گوید.

شب هنگام، آرمان و پریا تصمیم می گیرند درباره گنجینه تحقیق کنند. وقتی دوباره به کتیبه های تخت جمشید نگاه می کنند، یک علامت عجیبی را در گوشه ای از یک سنگ پیدا می کنند. آرمان فکر می کند این می تواند یک نشانه از مسیر گنج باشد. پدربزرگ آن علامت را می بیند و لبخند مرموزی می زند، انگار چیزی را می داند.



پدربزرگ از وجود تونل های قدیمی در زیر تخت جمشید خبر می دهد. او توضیح می دهد که این تونل ها در زمان پادشاهان برای مخفی کردن گنجینه ها استفاده می شدند. آرمان و پریا مشتاقانه همراه پدربزرگ وارد تونل می شوند. مسیر تاریک و پر پیچ و خم است. صدای چکه آب و صدای باد فضا را هیجان انگیزتر می کند.

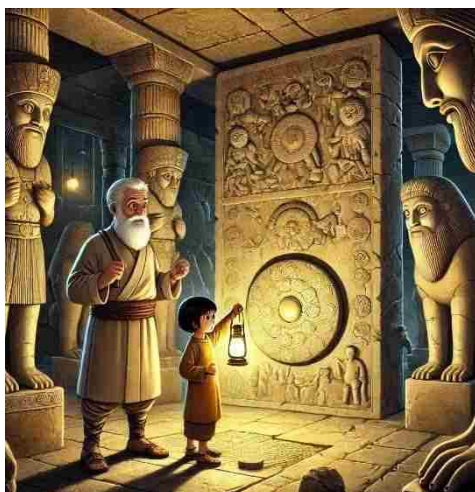


در طول مسیر، بچه‌ها با موانع مختلف روبه‌رو می‌شوند: یک در سنگی که با رمز باز می‌شود، یک نقاشی باستانی که سرنخ‌ها را نشان می‌دهد و یک پل چوبی که به نظر قدیمی و خطرناک می‌آید. آرمان و پریا با هوش و شجاعت خود به کمک پدر بزرگ، هر کدام از این موانع را پشت سر می‌گذارند.



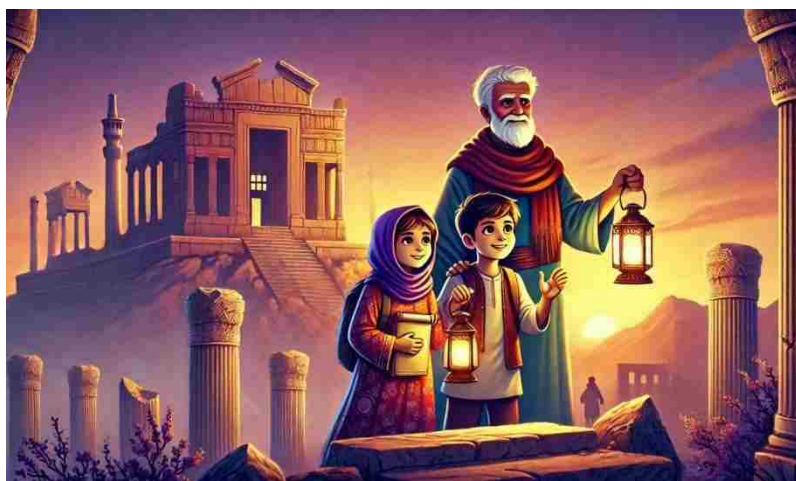
در انتهای تونل، آن‌ها به اتاقی بزرگ با نور طلایی می‌رسند. اما در آنجا گنج‌های طلایی وجود ندارد؛ بلکه یک کتیبه قدیمی که داستان شکوه و عدالت پادشاهان هخامنشی را شرح می‌دهد، پیدا می‌کنند. پدر بزرگ می‌گوید:

«این گنج واقعی ماست: دانش و تاریخ. چیزی که نسل‌ها بعد از ما می‌آید و هیچ‌وقت از بین نمی‌رود.»



آرمان و پریا با قلبی پر از افتخار از تاریخ کشورشان، همراه پدربزرگ به خانه بازمی گردند. آن‌ها متوجه می شوند که راز گنجینه داریوش، نه در طلا و جواهر، بلکه در یادگیری و افتخار به گذشته ایران است.

پایان.



داستان

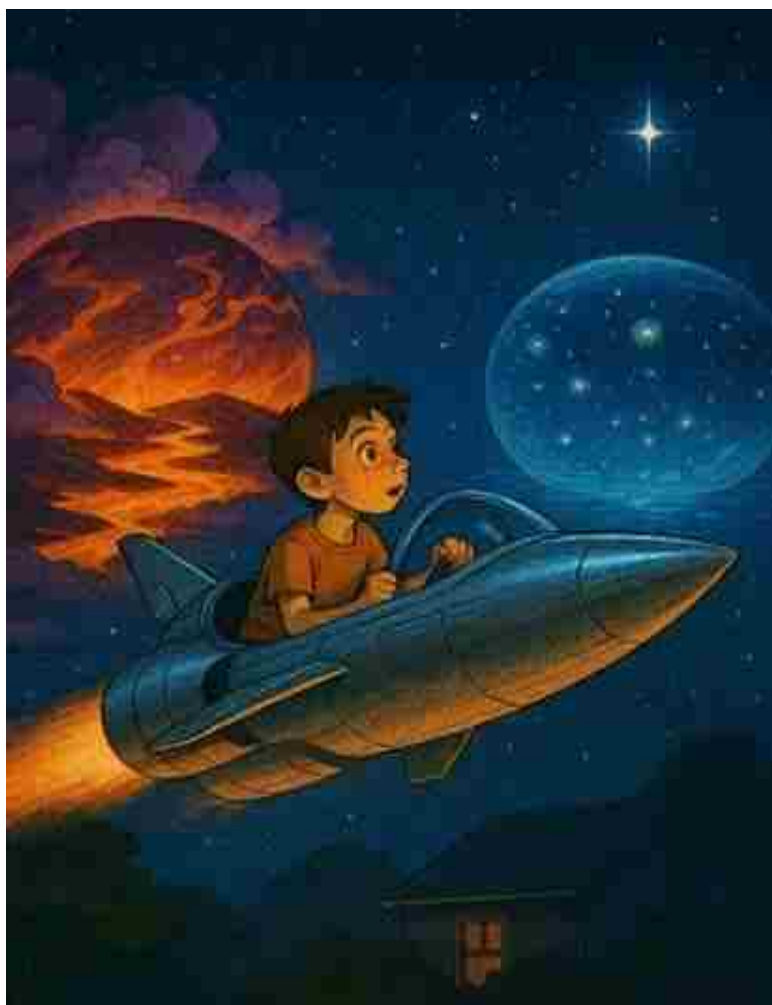
لوکاس، پسر کنجاو در کهکشان

محمد پارسا افشاری



باد ملایم شب، برگ‌های درختان را در حیاط خانه لوکاس به لرزه درمی‌آورد، اما هیجان درون او از هر طوفانی شدیدتر بود. او پشت فرمان سفینه فضایی خود، «اکتشاف‌گر»، نشسته بود؛ دستگاهی درخشان که حاصل هفته‌ها تلاش و رویاپردازی بود. با فشار یک دکمه، موتورها با غرشی مهیب روشن شدند و

اکتشاف گر مانند شهابی نقره‌ای از زمین برخاست و در دل تاریکی شب و انبوه ستارگان ناپدید شد. لوکاس با چشمانی درخشان از شوق، به سوی بی‌کران‌های ناشناخته کهکشان پیش رفت.



سفر او با کشفیات شگفت‌انگیزی همراه بود. او از کنار سیاره‌ای به نام «زپلور» گذشت که رودخانه‌های آن از گدازه‌های نارنجی و طلایی می‌درخشید و آسمانش را ابرهای بنفش رنگی پوشانده بود. سپس به «آکواریوس-۹» رسید، سیاره‌ای که تماماً از آب زلال و درخشان تشکیل شده بود و موجودات نورانی



کوچکی در اعماق آن مانند ستاره‌های رقصان می‌درخشیدند. هر سیاره، جهانی منحصر به فرد بود که کنجکاوی سیری ناپذیر لوکاس را برمی‌انگیخت.



در یکی از این سفرها، سفینه او روی سیاره سبز و آرام «لومینا» فرود آمد. موجودات ساکن آن، «لومیناری‌ها»، موجوداتی کوچک با پوستی از جنس نور و چشمانی درشت و مهربان بودند. آن‌ها با ملودی آرامش‌بخشی که از خود ساطع می‌کردند، به استقبال او آمدند. یکی از آن‌ها به نام «زیپ» با حرکات سریع و دوست‌داشتنی‌اش، لوکاس را به دهکده آن‌ها دعوت کرد و در آنجا، زیر گنبدی از نورهای رنگی، داستان کهن ساکنان لومینا را درباره زندگی در هماهنگی کامل با انرژی ستارگان برایش تعریف کرد.

لوکاس که عاشق علم بود، از ابزارهای پیشرفته سفینه خود، مثل طیف‌سنج و نقشه‌بردار گرانشی، برای کشف رازهای این جهان‌ها استفاده می‌کرد. داده‌هایی که او از اتمسفر سیاره زیپلور یا ترکیب آب‌های آکواریوس جمع‌آوری کرد، گنجینه‌ای برای دانشمندان زمین بود و به درک بهتر ساختار شگفت‌انگیز کیهان کمک می‌کرد.